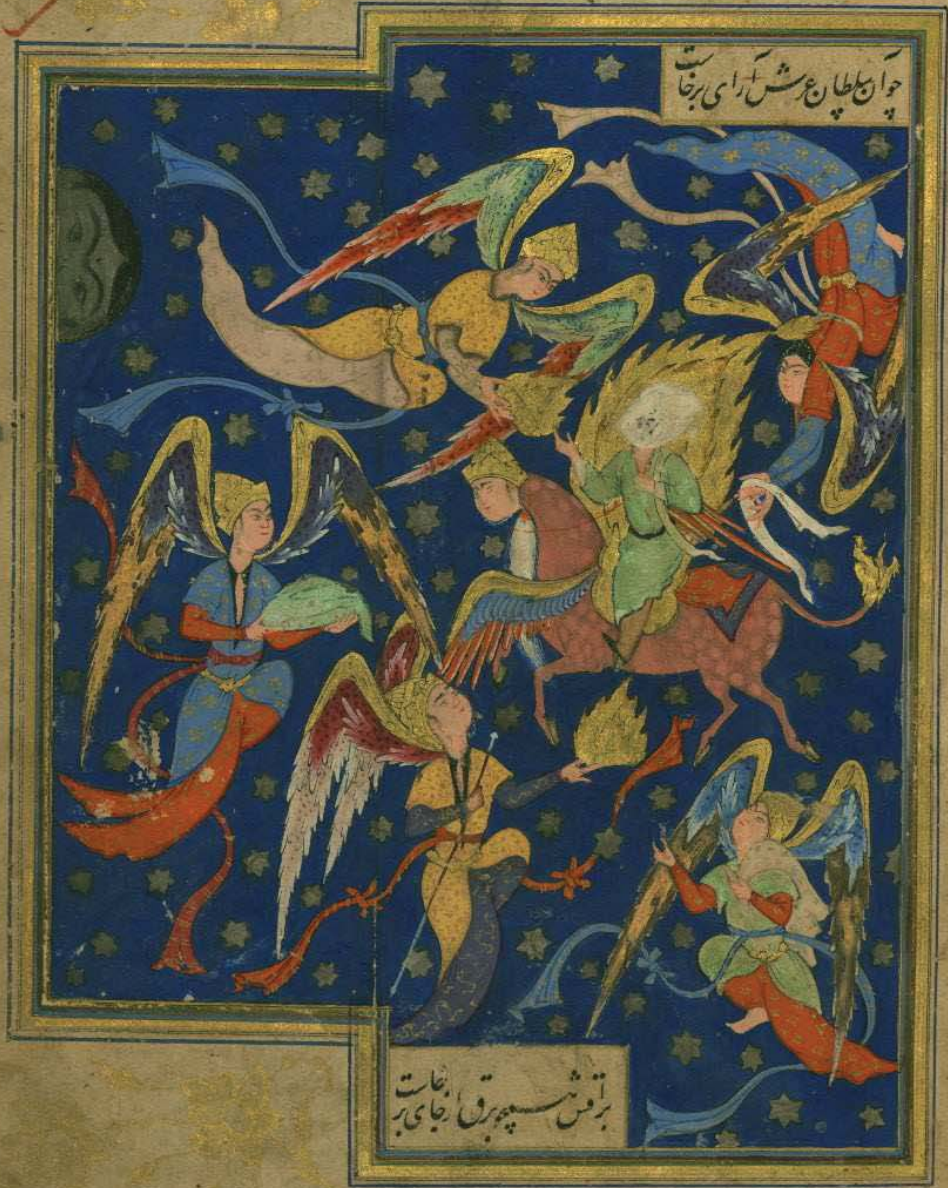


الموسى بن القاسم
سلطان الحسين



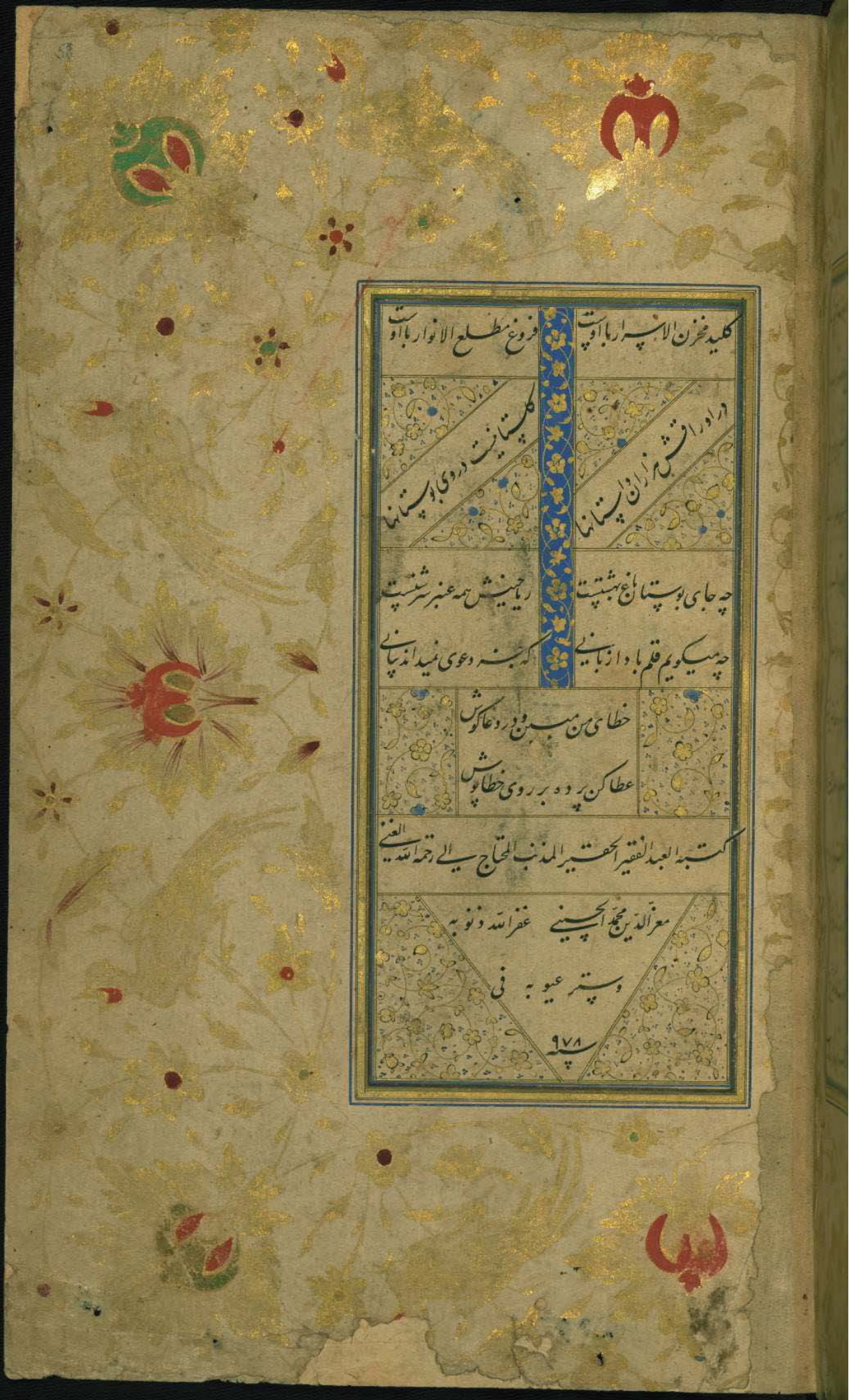
مذووندا درى ارغيب شجاي
بخدمت خویش کویا کن زبانم
کلاسی بر دلم خون از ره کوش
بده شرمی بین چشم کند کار
خطا برویت من سپید
بکشتن خار مویع را زانایم
زبا و پستان سپیدم
جمال شاه لاریب بنای
پراز شهد شهادت کنانم
که چون دید درون سپردن
که رویم را سپید کرد این سیکار
که سرمه پشت دست خود دیدند
که سینه مانع روانی تو ایم
سرمه را پیش ازین پدیدند



چو آن پادشاه عرش آرای برخواست

برفش سپهر برق بجای برخواست

کلید مخزن الانبیا را با او است		فروع مطلع الانوار با او است	
در ادراکش هزاران پستاننا		کلیتانش در وی پستاننا	
چه جای بوستان بهشت		رهایش همه غیر شربت	
چو میکویم قلم با داز باین		که بستر دعوی نماند پان	
خطای من بس در دعا گوش		عطا کن پرده بر روی خطا پوش	
کتابه العبد الفقیر المحتسب المذنب المحتاج الی رحمة الله العبد			
معزالدین محمد اچین غفر الله ذنوبه			
و ستر عیوب فی			
۱۷۸			





A digital facsimile of Walters Ms. W.656, Poem (masnavi)
Title: Şifat al-‘āshiqīn



Published by: The Walters Art Museum
600 N. Charles Street Baltimore, MD 21201
<http://www.thewalters.org/>



<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/3.0/legalcode>
Published 2011